

دراسه تطبيقية للتدخين فى الفقه الإمامى و الاباضى:

دراسة المقارنة للتدخين فى فقه الامامية و الاباضية، دراسة فى وجهة

نظر آية الله مكارم الشيرازى و العلامة احمد بن حمد الخليلي

ابراهيم قاسمى*

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٢/٠٤ تاريخ القبول ١٣٩٩/٠٣/٣٠ هـ ش]

ملخص القول

لا شك أنّ التدخين من المسائل المبتلى بها فى المجتمع فعلى الفقيه أن يصدر حكمه من الحرمة او الاباحه. انّ المرجع مكارم الشيرازى و المفتى الخليلي الاباضى اصدرا حكما بحرمة التدخين تجدر الاشاره الى انّ الشيخ الحرّ العاملي استدللّ باتّنى عشر دليلا يقوم على حرمة التدخين. كما أنّ المفتى الخليلي استند فى حكمه بالحرمة الى اربع عشر من الآيات القرآنية و سبع من السنة النبوية الشريفة. فكثرت الوجوه و الادله المستدلّ بها لدى المذاهب تدل على التوجه التام بمختلف زوايا التدخين المتعددة و لو فى نهايه المطاف أمكن التركيز فى مسألة الحرمة على دليلين او ثلاثة. فنقول: انّ كلاً من الفقه الامامى و الاباضى ينظر الى مسألة التدخين نظراً يجب بمقتضاها الطاعة المطلقة لهذين العالمين (اي المرجع و المفتى المذكورين اعلاه) على المقلدين لهما فى المذهبين المزبورين. علماً أنّ الفقه الامامى اولية اهتماماً ابلغ و ادق فى تبين نوعية الضرر و درجاته المختلفة. كلمات مفتاحية: التدخين، الامامية، الاباضية، مكارم الشيرازى، الخليلي.

* خريج من مقطع دكتوراه لفرع الدراسات المقارنة المذاهب الاسلامية، جامعة الاديان و المذاهب (كاتب مسئول)
e.qasemi@urd.ac.ir

مطالعه تطبیقی تدخین در فقه امامیه و اباضیه بررسی دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی و علامه احمد بن حمد خلیلی

ابراهیم قاسمی *

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰]

چکیده

تدخین از مسائل مبتلا به در جامعه است. بنابراین، لازم می‌آید فقها در حرمت یا اباحه آن، فتوا صادر کنند. مکارم شیرازی، از علما و مراجع شیعه، و خلیلی، از علمای مذهب اباضیه، هر دو فتوا به حرمت این عمل داده‌اند. مکارم شیرازی با تمسک به قاعده لاضرر و مجازنبودن اسراف، تدخین را تحریم کرده است. قبل از وی نیز، حر عاملی به دوازده وجه، حرمت استعمال دخانیات را بیان کرده است. از غیرامامیه، خلیلی چهارده دلیل قرآنی و هفت دلیل از سنت نبوی را ادله خویش بر این فتوا می‌داند. تکتیر ادله در امامیه و غیرامامیه به معنای توجه به ابعاد مختلف موضوع است، ولی در نهایت بر دو یا سه دلیل می‌توان پای فشرد و گفت: هم در فقه شیعه و هم اباضیه فتوای حرمت تدخین به صورت واجب‌الاطاعة برای مقلدان این مراجع وجود دارد. ولی در فقه شیعه به نحوه استعمال و چگونگی صدق ضرر و مراتب آن توجه دقیق‌تری شده است.

کلیدواژه‌ها: تدخین، امامیه، اباضیه، مکارم شیرازی، خلیلی..

مقدمه

دخانیات از جمله موضوعات فقهی است که به نظر کارشناسان و از لحاظ مطالعات موضوع شناسی، استعمال آن موجب به خطر افتادن سلامت افراد و جامعه است و در واقع نوعی ضرر به حساب می آید. از آنجایی که این مسئله مبتلابه است، بر مراجع است که حکم استعمال آن را در رساله عملیه خود بیاورند و نظر خویش را ابراز کنند. به طور طبیعی، به دلیل مبتلابودن طیف گسترده‌ای از جامعه به این عمل، فتوادادن به حرمت آن در جامعه مسئله برانگیز می شود و واکنش هایی را در مجامع مختلف در بر دارد، به طوری که فقیه می تواند خود این عوارض و توابع را از لحاظ حکم اولی یا ثانوی مطالعه کند.

در اینجا حکم تدخین را از دیدگاه مکارم شیرازی، از فقه امامیه، و خلیلی، از فقه اباضیه، به ترتیب بررسی می کنیم و مجموع ادله حر عاملی را به عنوان مؤیدی بر دیدگاه مکارم شیرازی می افزاییم.

۱. حکم تدخین از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی

مکارم شیرازی در رساله خود فتوایی مبنی بر حرمت تدخین بیان کرد که بحث و گفت و گوهایی را در بین اقشار مختلف جامعه برانگیخت و منجر به صدور استفتائاتی از وی شد. محافل علمی، خواستار آگاهی از مبانی و ادله این فتوا شدند. جمعی از طلاب حوزه های علمیه درخواست توضیح و شرح ادله آن را داشتند. مکارم شیرازی در پاسخ به ایشان چنین نگاشت:

بسم الله و له الحمد، این جانب از چند سال پیش این فتوا را به صورت مشروط ذکر کرده بودم و در رساله توضیح المسائل موجود است، که «اگر کشیدن سیگار (و سایر دخانیات) به شهادت اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد، حرام است».^۱ ولی اخیراً با شهادت و گواهی جمعی از پزشکان آگاه و اساتید متعهد دانشگاه و با توجه به آمارهای تکان دهنده ای که از مرگ و میر ناشی از سیگار و بیماری های

۱. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۶۲.

خطرناکی که از آن نشئت می‌گیرد به ما رسید، ثابت و مسلم شد که خطرات مهم دود سیگار یک واقعیت است که حتی فرزندان افراد سیگاری و معاشران آنها از آن در امان نیستند؛ لذا فتوای تحریم به طور مطلق را دادیم، و از خدا می‌خواهیم همه مسلمانان جهان، مخصوصاً جوانان عزیز را، که نخستین قربانیان این بالای خانمان سوز هستند، از شر آن حفظ کند، و با هوشیاری تمام مراقب خویش و اطرافیان و دوستان خود باشند، و ان‌شاءالله زنده بمانیم و ببینیم که جامعه ما از لوث وجود این دود آلوده پاک شده است.^۱

مکارم شیرازی سپس به فشرده‌ای از مدارک و مبنای این حکم شرعی اشاره کرده و بخش مهمی از دیدگاه‌های کارشناسان خبره را درباره خطرهای سیگار و سایر دخانیات نقل کرده است.

فتوای تحریم سیگار رفته‌رفته جای خود را در میان اقشار مختلف جامعه و حتی مسلمانان خارج از کشور باز می‌کرد. این مطلب از پرسش‌های مکرری که از راه‌های مختلف به دفتر مکارم شیرازی می‌رسید، روشن و آشکار بود. گسترش این فتوا و پرسش‌های فراوان درباره آن، اقتضا می‌کرد مبنای و ادله آن به صورت فنی‌تر، با تفصیل و توضیح بیشتر بیان شود؛ بنابراین، وی در درس خارج فقه خویش، در روز چهارشنبه ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ که جمع فراوانی از طلاب و فضلا حضور داشتند، در این باره سخن گفت، که در ادامه در ضمن بحث ادله فتوای حرمت تدخین بیان می‌شود.

ادله فتوای حرمت تدخین^۲

هرچند درباره حرمت دخانیات دلیل خاصی از آیات قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) به چشم نمی‌خورد، چراکه این موضوع از جمله مسائل مستحدثه‌ای است که در عصر نزول قرآن و زندگی معصومان (علیهم‌السلام) وجود نداشته و در دوران غیبت کبری بروز کرده

۱. سخنان مکارم شیرازی در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۶؛ علیان‌نژادی، ابوالقاسم، سیگار پدیده مرگبار عصر ما، ص ۷۶.

۲. این ادله از سخنان مکارم شیرازی در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ برداشت شده است؛ علیان‌نژادی، ابوالقاسم، سیگار پدیده مرگبار عصر ما، ص ۱۲-۳۴.

است، ولی از دو دلیل عام که این موضوع یکی از مصادیق روشن و آشکار آن است، می‌توان حکم به حرمت این عمل صادر کرد. آن دو دلیل عام عبارت‌اند از:

الف. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از قواعد مسلم فقه اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت، است و برخی آیات قرآن و تعدادی از روایات به روشنی دلالت بر آن دارد، حدیث «لاضرر و لاضرار» در حدّ تواتر به اثبات رسیده^۱ و از طریق اهل سنت نیز وارد شده است.^۲

۱. معنا و مصداق ضرر

در بیان معنای ضرر تعاریفی از علمای فقه ذکر می‌شود. آخوند خراسانی در تعریف ضرر می‌نویسد: «در ظاهر، ضرر چیزی است که در برابر نفع قرار دارد، «بینایی» و «داشتن مال» برای انسان نفع است، «کوری» و «ناداری» ضرر است و ضرار نیز به معنای ضرر است و نفی ضرر هم به نحو حقیقت است، به این معنا که در اسلام حقیقتاً ضرری وجود ندارد».^۳ کسی نمی‌تواند به دیگری یا به خودش ضرر بزند.

نائبینی نیز می‌گوید: «بهترین وجه این است که لا ضرر حکم ضرری را به طور حقیقت نفی می‌کند».^۴ به نظر نائبینی، ادله «ضرر، عسر و حرج» تشریع احکام ضرریه و حرجیه را نفی می‌کند.^۵ همچنین، وی در «قاعده لاضرر و لاضرار» می‌گوید ضرر، نقص در شیء است.^۶ احتمال دیگری نیز وجود دارد که «لاضرر» حکم ضرری را نفی نمی‌کند؛ بلکه ضرری را نفی می‌کند که قابل تدارک نباشد. به این معنا که هر کجا در اسلام ضرری وجود داشته باشد، آن ضرر تدارک و جبران دارد، و ضرری که قابل

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. فخر رازی، محمد بن عمر، المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۵، ص ۱۷۵؛ ج ۶، ص ۱۰۸.

۳. خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، ص ۳۸۱.

۴. فاضل موحّدی لنکرانی، محمد، سیری کامل در اصول فقه، ج ۱۳، ص ۴۷۷.

۵. نائبینی، محمدحسین، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۲۶۲.

۶. عراقی، ضیاءالدین، قاعدة لاضرر و لاضرار، ص ۱۳۰.

تدارک و جبران نباشد در اسلام وجود ندارد.^۱ بعضی نیز احتمال داده‌اند «لاضرر و لااضرار» دلالت بر آن دارد که: «در اسلام جایز نیست که کسی به دیگری ضرر بزند».^۲ معنای دیگری هم برای ضرر ذکر شده است: ضرر امری وجودی است که از پدیدآمدن نقص در جان، مال و آبرو پدید می‌آید.^۳

بعضی از مصادیق این قاعده، ضرر رساندن به غیر است؛ طبق روایت سمرة بن جندب، که منبع اصلی این قاعده است،^۴ پیامبر گرامی اسلام ﷺ سمرة بن جندب را از ضرر زدن به آن شخص انصاری نهی فرمود.

۲. ملاک ضرر

محمدحسن نجفی درباره ملاک ضرر می‌گوید:

ملاک و مجوز افطار ترس از ضرر است و تفاوتی در این مسئله بین انسان سالم و بیمار نیست، زیرا کلام امام (علیه السلام) که می‌فرماید: «هر کس که روزه برایش مضر باشد باید روزه‌اش را افطار کند» مطلق است و شامل بیمار و سالم هر دو می‌شود، همان‌گونه که روایات وارد شده درباره تجویز افطار برای مریض ملاک را ضرر دانسته، و در این ملاک تفاوتی بین انسان سالم و بیمار نیست.^۵

از اینجا روشن می‌شود که دایره شمول قاعده مذکور وسیع است و شامل اضرار به نفس هم می‌شود. همچنین، فقها در بحث تیمم می‌گویند اگر شخصی به اندازه کافی آب در اختیار دارد، اما برایش ضرر دارد به مقتضای قاعده لاضرر حق ندارد وضو بگیرد، بلکه وظیفه‌اش تیمم است.^۶

۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، سیری کامل در اصول فقه، ج ۱۳، ص ۵۳۷.

۲. همان.

۳. عراقی، ضیاءالدین، قاعدة لا ضرر ولا ضرار، ص ۱۳۰.

۴. البته علاوه بر حدیث فوق، می‌توان به روایات دیگر برای قاعده مذکور استناد جست، که شرح آن در کتاب‌های با موضوع قاعده لا ضرر آورده شده است.

۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۳۴۹.

۶. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، عروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۷۲.

برخی فقها به مناسبت بحث تیمم از مراتب و انحاء ضرر سخن گفته‌اند:

سومین چیزی که تیمم را تجویز می‌کند ترس از ضررهای ناشی از استعمال آب بر جان یا عضوی از اعضای انسان است؛ چه منشأ این خوف، احتمال مرگ باشد یا عضوی از اعضا معیوب شود یا بیماری تازه‌ای به وجود آید یا بیماری موجود شدت پیدا کند یا طولانی‌تر شود یا درمان آن کند شود یا معالجه آن سخت گردد یا مشکل دیگری مانند مشکلات مذکور به وجود آید که تحمل آن آسان نباشد. بلکه حتی اگر استعمال آب وضو در شرایط خاصی موجب نقیصی در چهره یا دست‌های انسان شود مثل اینکه پوست دست‌ها و صورت را زبر و خشن کند یا باعث ترکیدگی پوست دست و صورت گردد یا سبب خون‌ریزی در اعضای وضو شود به گونه‌ای که تحمل این امور سخت باشد در تمام این موارد تیمم جایگزین وضو می‌شود. در ضمن تمام مواردی که گفته شد، حصول یقین و اطمینان به مشکلات مزبور لازم نیست بلکه صرف ظن و گمان و حتی احتمالی که منشأ خوف ضررهای مذکور باشد کفایت می‌کند.^۱

محمدحسن نجفی نیز می‌گوید:

و همچنین تیمم جایز است در صورت ترس از مرض شدید به سبب استعمال آب یا جست‌وجو برای یافتن آب یا ترک آشامیدن آب و این مطلب اجماعی است، مخصوصاً اگر همراه با خوف تلف باشد. زیرا وظیفه وضوگرفتن در این صورت به مقتضای قاعده لاضرر و لا حرج تبدیل به تیمم می‌شود.^۲

همچنین، در کتاب «اطعمه و اشربه» نیز غذاهای زیان‌آور به حکم قاعده لاضرر تحریم شده است. از جمله خوردن گل: «ان الطین یورث السقم فی الجسد و یهیج الداء».^۳ این روایت علت نهی را نیز بیان می‌کند و می‌گوید گل منشأ ناراحتی‌هایی در بدن انسان می‌شود و رفته‌رفته جسم انسان را به بیماری‌هایی مبتلا می‌کند. شهید ثانی نیز، در بیان

۱. همان.

۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۱۰۴.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۹۲.

دلیل حرمت خوردن گِل می‌گوید: «بما فيه من الاضرار الظاهر للبدن؛ علت آن ضررها و زیان‌های روشن و آشکاری است که بر اثر خوردن گِل به وجود می‌آید».^۱

خلاصه اینکه، به مقتضای قاعده لاضرر که به ادله چهارگانه قرآن، حدیث، اجماع و عقل ثابت شده، هر چیزی که برای سلامتی انسان ضرر و زیان در خور توجهی داشته باشد حرام است. این مطلب را به نحو کلی و نیز از نظر اصولی تمام فقهای شیعه قبول دارند. لذا در رساله‌های مراجع عظام تقلید در فصل خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها آمده است: «خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است».^۲

۳. صدق عنوان ضرر در استعمال دخانیات

در اینجا پس از روشن‌شدن مطالب گذشته، بررسی می‌شود که آیا سیگار از جمله چیزهایی است که ضرر و زیان در خور توجهی دارد تا مشمول قاعده کلی لاضرر شود و حکم به حرمت آن دهند، یا ضررهای جزئی، موقت و گذرا دارد و در حدی نیست که مشمول قاعده لاضرر شود. برای تشخیص این موضوع همچون سایر موضوعات، دیدگاه‌های اهل خبره، آگاهان و کارشناسان را بررسی می‌کنیم.

بسیاری از اطبا و پزشکان که اهل خبره تشخیص ضررهای سیگار محسوب می‌شوند، اجماع و اتفاق نظر دارند که سیگار ضررهای مهم و زیان‌های در خور توجهی دارد.^۳ آنها کتاب‌های متعددی درباره خطرها و زیان‌ها و بیماری‌های ناشی از استعمال دخانیات، مخصوصاً سیگار، نگاشته‌اند. درباره بیماری‌های مهم ناشی از آن هم کتاب‌های مستقلی نوشته شده است.

معلوماتی که کارشناسان موضوع در این باره داده‌اند می‌تواند مبنای محکمی برای تعیین حکم فقهی باشد از جمله اینکه: سالانه بیش از ۶ میلیون نفر در جهان قربانی استعمال سیگار می‌شوند و حدود ۶ تریلیون نخ سیگار در جهان بیش از هفت میلیارد

۱. عاملی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۳۱۵ و ج ۱۲، ص ۱۶۵.

۲. بنی‌هاشمی، محمدحسن، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۳۱.

۳. نتایج تحقیقات در نشریه *American Journal of Respiratory and Critical Care Medicine* منتشر شده است.

نفری دود می‌شود. سرطان ریه بیش از یک میلیون نفر سیگاری را در سال در جهان می‌کشد، اما محققان تأکید می‌کنند سیگار عامل بیماری‌های خطرناک و مرگبار دیگری مانند سکتة مغزی و قلبی، برونشیت و ... نیز هست.^۱ میزان مرگ و میر بر اثر امراض قلبی در خانواده‌ای که یکی از همسران سیگار مصرف می‌کند، ۲۰ درصد بیشتر از خانواده‌های غیرسیگاری است. دود سیگار حاوی چهارهزار ماده شیمیایی است که در بین آنها نیکوتین مسئول عادت کردن به این عادت مضر کشیدن سیگار است و باعث وابستگی فیزیکی به آن می‌شود. پس از نفوذ دود به ریه، نیکوتین بعد از هفت ثانیه به مغز راه می‌یابد. علاوه بر این، دود سیگار سرطان‌زا است و یک‌سوم مرگ و میرهای ناشی از مصرف سیگار بر اثر سرطان دهان، سرطان حنجره و نایژه‌ها صورت می‌گیرد.^۲ آسیبی که سیگار کشیدن در دوران جنینی به فرد می‌رساند بسیار بیشتر از زایمان زودهنگام یا کم‌بودن وزن نوزاد در هنگام تولد است. همچنین، سیگار کشیدن در دوران بارداری تغییراتی در رشد مغز نوزاد ایجاد می‌کند که می‌تواند تا پایان عمر ادامه یابد.^۳

نتیجه اینکه: طبق آنچه از کلمه «ضرر» استفاده می‌شود و آنچه عرف از این واژه می‌فهمد و آنچه فقهای اسلام از این قاعده برداشت کرده‌اند، قاعده لاضرر و لا ضرار هم خود شخص را شامل می‌شود و هم ضرر رساندن به دیگران را. همان‌گونه که بنا به تحقیقات انجام گرفته و به شهادت پزشکان و متخصصان در این زمینه، ضررهای سیگار اختصاص به شخص مصرف‌کننده ندارد؛ بلکه دامن گیر افرادی که در آن فضا تنفس می‌کنند نیز می‌شود تا آنجا که برخی از کارشناسان معتقدند دودی که نزدیکان فرد سیگاری استنشاق می‌کنند، کشنده‌تر از دودی است که خود شخص سیگاری آن را مصرف می‌کند.^۴

۱. به گزارش ایرنا از نیودیلپی ساینس، این اطلاعات بر اساس اطلس تنباکو ۲۰۱۵ منتشر شده که انجمن سرطان آمریکا و بنیاد جهانی ریه تهیه کرده‌اند.

۲. طبق اطلاعات مرکز موسوم به بلوخین آکادمی علوم پزشکی روسیه.

۳. به گزارش یونایتدپرس، طبق دیدگاه‌های ادوارد لوین، استاد روان‌شناسی زیستی در مرکز پزشکی دانشگاه دوک.

۴. علیان‌نژادی، ابوالقاسم، سیگار پدیده مرگبار عصر ما، ص ۱۸.

ب. اسراف

حرمت اسراف، یعنی هزینه کردن بیهوده اموال، از مسلمات همه فرق اسلامی است، به طوری که اسلام حتی اجازه نمی دهد آب نیم خورده داخل لیوان دور ریخته شود. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء وابتذال ثوب الصون ولقاء النوى؛ کمترین حد اسراف دور ریختن آب باقی مانده لیوان و پوشیدن لباس بیرون منزل در منزل و دور ریختن هسته خرما است».^۱

با توجه به آمار دهه هشتاد شمسی در ایران نزدیک به ۱۰ میلیون نفر سیگاری وجود دارد که روزانه بیش از سه میلیارد تومان خرج سیگار می کنند. اگر این رقم را در روزهای سال ضرب کنیم، حاصل آن بیش از هزار میلیارد تومان می شود.^۲ دولت ها به طور متوسط بیش از دو برابر مبلغی که صرف تهیه سیگار می شود باید صرف هزینه بیماری ها و عوارض ناشی از سیگار کنند، که این رقمی نزدیک به ۶ میلیارد تومان در هر روز در ایران و بیش از دو هزار میلیارد تومان در سال می شود.^۳ سیگار علاوه بر اسراف در مال، که ضرر در خور توجهی به شخص و اجتماع وارد می کند، اسراف در جسم و سلامتی نیز محسوب می شود و موجب آلودگی هوا می شود که در وضعیت فعلی، ضررش از سیگار کشیدن کمتر نیست.

حر عاملی در کتاب *فوائد الطوسیة*، فائده پنجاه و یکم، دوازده دلیل برای حرمت استعمال دخانیات ذکر کرده که در ادامه به آن اشاره می کنیم:

۱. نخست آنکه سیگار و دخانیات از خبائث به شمار می رود و قرآن کریم در آیه ۱۵۷ سوره اعراف دلالت بر تحریم خبائث دارد. به علاوه طبع سلیم و وجدان بیدار شهادت می دهند که سیگار از خبائث است.
۲. از آنجایی که افراد جاهل، بیکار و فاسق به دخانیات و سیگار میل دارند و در بیشتر زمان ها و مکان ها همراه آنان است و به وسیله کشیدن سیگار فسق و

۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۷۲، ص ۳۰۳.

۲. علیان نژادی، ابوالقاسم، *سیگار پدیده مرگبار عصر ما*، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۲.

فساد بیشتری می‌کند، سیگار و دخانیات از وسوسه‌های شیطان محسوب می‌شود و خداوند از تبعیت از وسوسه‌های شیطان نهی کرده است.^۱

۳. قاعده «لاضرر» دلالت بر حرمت سیگار می‌کند، زیرا کسانی که مدتی سیگار کشیده‌اند و همچنین پزشکان به زیان سیگار شهادت می‌دهند و روشن است که زیان و ضرر دلالت بر حرمت آن دارد.

۴. از بین رفتن مال و پول بدون آنکه سودی بر آن مرتب شود، نهی شده است. تدخین هم که یکی از مصادیق آن است نهی شده است.

۵. شبیه‌شدن به گناهکاران و کافران حرام است. کشیدن سیگار هم، فرد را شبیه به کافران و گناهکاران می‌کند.

۶. سیگارکشیدن همان تدخین است و تدخین از ریشه «دخان» گرفته شده، و دخان هم یادآور عذاب دوزخ و جهنم است.^۲

۷. کشیدن سیگار عمل لغو و بیهوده‌ای است. هم مروت و مردانگی دلالت بر روی‌گردانی از عمل لغو و بیهوده دارد و هم این روی‌گردانی از امور لغو و بیهوده، دستور خداوند متعال در قرآن کریم است.^۳

۸. عقل و شرع پیمودن راه احتیاط را تأیید می‌کند. در احادیث آمده است که امور یا حلال بین و روشن‌اند یا حرام بین و روشن، یا مسائل مشتبّه، که انسان با پیمودن راه احتیاط در مسائل مشتبّه می‌تواند خودش را از ارتکاب محرمات نجات دهد.^۴ بدون شک کشیدن سیگار از امور مشتبّه است که اگر حرام روشن نباشد، حلال روشن هم نیست. لذا باید درباره آن احتیاط، و از آن دوری کرد.

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. دخان: ۱۰.

۳. مؤمنون: ۳.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۷.

۹. خوردن خاکستر نهی شده است. می‌دانیم در سیگار، خاکستر وجود دارد و همراه با کشیدن سیگار خاکستر وارد حلق می‌شود. بنابراین، باید از کشیدن سیگار اجتناب کرد.

۱۰. سیگار از امور مستحذنه و جدید است و پیامبر درباره این امور مستحذنه هشدار داده^۱ و آن را گمراهی و راهی به سوی آتش می‌داند.^۲ از این رو باید از آن اجتناب کرد.

۱۱. کشیدن سیگار نزد همه مسلمانان کاری زشت و قبیح است؛ چه آنان که سیگار می‌کشند و چه آنان که نمی‌کشند. هر چه نزد تمام مسلمانان زشت و قبیح باشد، نزد خداوند هم قبیح است.^۳

۱۲. پیامبران همیشه همراه انسان‌ها بوده‌اند و آنان را به راه راست و مصالح هدایت می‌کرده‌اند. اگر در کشیدن سیگار و دخانیات منفعت و مصلحتی بود، بدون شک پیامبران، نخستین افرادی بودند که انسان‌ها را به کشیدن آن رغبت می‌دادند و چون این گونه نیست روشن می‌شود که سیگار از شروری است که باید از آن اجتناب کرد.^۴

این ادله هرچند خالی از نقد و اشکال نیست^۱ اما روی هم رفته، خصوصاً دلیل سوم، چهارم و هفتم، مؤید دیدگاه مکارم شیرازی و نیز خلیلی اباضی است.

۲. تدخین از دیدگاه علامه خلیلی

خلیلی، مفتی مذهب اباضیه در کشور عمان نیز مانند مکارم شیرازی قائل به حرمت سیگار و دخانیات است. وی در کتاب *الفتاوی الطبیة* می‌نویسد: «سزاوار نیست هیچ عاقلی در حرمت دخانیات شک کند؛ زیرا اسلام هر چه را به جسم، عقل، سلامتی، مال و آبروی انسان ضرر می‌زند حرام دانسته است و چون دخانیات به سلامتی انسان ضرر می‌زند پس حرام است».^۵

۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ج ۱، ص ۵۶.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *فوائد الطوسیه*، ص ۲۲۴.

۴. همان.

۵. خلیلی، احمد بن حمد، *الفتاوی الطبیة*، ص ۱۹۴.

ادله حرمت تدخین^۱

خلیلی برای فتوای خود، به ادله‌ای از قرآن و روایات استناد می‌کند؛^۲

الف. ادله قرآنی بر حرمت تدخین

وی برای فتوای تحریم دخانیات، ۱۴ دلیل قرآنی ذکر می‌کند:

۱. آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا * وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» که بر حرمت خوردن مال به نحو باطل و خودکشی انسان به هر صورتی که باشد تصریح دارد، چه خودش را در آتش بیندازد و چه از مکان بلندی پرت کند و چه اینکه سم مهلک بخورد، حال تفاوت نمی‌کند که آن سم سریع اثر کند یا تدریجاً انسان را از پا در آورد. از این‌رو در حدیث است که خوردن طین و گل حرام است. زیرا، ولو تدریجی، انسان را به مرگ می‌کشاند؛ و تدخین از همین صورت است و حکم به حرمت تدخین داده می‌شود.

۲. آیه ۱۹۵ سوره بقره: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». عموم این آیه دلالت بر حرمت استفاده از دخانیات دارد. زیرا تدخین در حکم «القاء اليد إلى التهلكة»^۳ است. خللی درباره عام‌بودن این آیه به عمومیت الفاظ استدلال می‌کند و می‌گوید این آیه هرچند برای مصداق خاصی نازل شده، ولی اختصاص به آن ندارد. زیرا الفاظ آن عمومیت دارد.

۳. آیه ۲۱۱ سوره بقره: «سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يَبْدُلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». خللی این آیه را این‌گونه تفسیر می‌کند که سلامتی، عقل، مال و نسل، نعمت‌هایی است که خداوند به هر که بخواهد می‌دهد و بر هر کسی که این نعمت‌ها داده شد، محافظت از آن نعمت‌ها و هدرن دادن آنها واجب است. زیرا

۱. نک: مدنی، محمد نمر، *الاباضية اهل الحق والاستقامة*، ص ۶۹-۷۰.

۲. خللی، احمد بن حمد، *الفتاوى الطيبة*، ص ۲۰۷-۲۱۱.

۳. خود را به هلاکت انداختن.

هدردادن نعمت‌ها، تبدیل نعمت است که خداوند وعده عذاب به آن داده است و تدخین تبدیل نعمت و هدردادن نعمت سلامتی است.

۴. آیه ۵ سوره نساء: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا». اغلب مفسران این آیه را دال بر جایزنبودن تصرف سفیه در مالش دانسته‌اند. زیرا سفیه مالش را اسراف می‌کند و از بین می‌برد. مصرف‌کننده دخانیات نیز در حکم سفیه است؛ چراکه اموالش را نابود می‌کند؛ و می‌توان گفت بالاتر از سفیه است. زیرا سفیه فقط اموالش را نابود می‌کند ولی کسی که دخانیات استفاده می‌کند علاوه بر نابودکردن مالش، سموم را وارد بدنش می‌کند که به وسیله آن، در معرض مرگ قرار می‌گیرد.

۵. آیه ۲۶ و ۲۷ سوره اسراء: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا». این آیه دلالت می‌کند که اسراف کاران برادران شیطان هستند و کار شیطان حرام است و اسراف هم از آن نهی شده و حرام است. همان‌طور که شیطان خدایش را کافر شده است، اسراف‌کار هم کافر نعمت خداوند است، با این توضیحات می‌توان گفت کسی که دخانیات استفاده می‌کند اسراف‌کار است.

۶. آیه ۳۱ سوره اعراف: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». آیه از اسراف نهی کرده است و آن خروج از حد اعتدال است؛ حتی در خوردن و آشامیدن که قوام انسان به آن است. از این‌رو علما خوردن غذا بعد از سیرشدن را حرام می‌دانند. زیرا داخل در اسراف می‌شود. حال وضعیت خرج کردن برای دخانیات که ضرر بر جسم، عقل، مال، نسل، فرد و جامعه می‌زند، مشخص خواهد بود.

۷. آیه ۶۷ سوره فرقان: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا». طبق این آیه، اسراف از سیره بندگان خالص خداوند نیست؛ بلکه از ضد آنها و پیروان شیطان است. انفاق و پول‌دادن برای دخانیات اسراف است. زیرا تلف‌کردن مال در چیزی است که ضرر دارد و نفعی ندارد.

۸. آیه ۱۵۷ سوره اعراف: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَإَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». دخانیات یا از طیباتی است که پیامبر به امر خدایش آن را حلال کرده است یا از خبیثاتی است که خداوند آن را بر ما حرام کرده است. هیچ صاحب عقلی نمی گوید دخانیات با این همه ضرر و زیان از طیبات است. در نتیجه جزء خبائث و حرام است.

۹. آیه ۵۸ سوره احزاب: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا». هرچند آیه برای سبب خاصی نازل شده، ولی اختصاص به آن ندارد و لفظ عام آن شامل همه مصادیق می شود. آیه می گوید هر کس دیگران را اذیت کند گناهکار است و کسی که دخانیات استفاده می کند دیگران را آزار می دهد. پس گناهکار است.

۱۰. آیه ۲۰۵ سوره بقره: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ». کسی که دخانیات استفاده می کند به دلیل آلوده کردن محیط زمین را فاسد می کند و در خلال آن موجب نابود کردن نسل می شود.

چهار آیه ای که در ادامه می آید نیز دلالت بر حرمت تدخین دارد. چون مصرف کننده دخانیات، غیرمستقیم، فرزندانش را می کشد. فرزندان انسان های آلوده به دخانیات علاوه بر ضعیف بودن بنیه جسمی شان در معرض بیماری های خطرناک هستند.^۱

۱۱. «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ».^۲

۱۲. «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائِهِمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ».^۳

۱. همان، ص ۱۹۸-۲۰۷.

۲. انعام: ۱۴۰.

۳. انعام: ۱۳۷.

۱۳. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٌ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».^۱

۱۴. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطِئًا كَبِيرًا».^۲

ب. ادله روایی بر حرمت تدخین

در سنت نبوی هم احادیثی وجود دارد که بر حرمت تدخین دلالت می‌کند:

۱. بخاری، مسلم و ترمذی، به سند ابوهریره، از پیامبر ﷺ چنین نقل کرده‌اند: «من تردی من جبل فقتل نفسه فهو فی نار جهنم یتردی فیها خالدًا مخلدا فیها ابدًا و من تحسی سما فسمه فی یده یتحساه فی نار جهنم خالدًا مخلدا فیها ابدًا؛ و من قتل نفسه بحدیده فحدیدته فی یده یتوجا بها فی بطنه فی نار جهنم خالدًا مخلدا فیها ابدًا»؛ «کسی که خودش را به واسطه پرتاب کردن از کوه بکشد، همانا خودش را در آتش جهنم پرتاب کرده است و تا ابد در آن می‌ماند و کسی که مقداری سم بخورد در حالی که آن سم در دستش است تا ابد در آتش جهنم می‌ماند و کسی که با آهن و تیزی خودکشی کند و آن آهن در دستش باشد، در آتش جهنم در شکمش می‌کنند و تا ابد در آن می‌ماند».^۳

وجه دلالت این حدیث بر حرمت تدخین واضح است و هیچ کسی شکی ندارد که تدخین سم کشنده‌ای است که هم استفاده‌کننده دخانیات و هم کسی را که در معرض آن قرار گرفته است هلاک می‌کند.

۲. بخاری، به سند ابوهریره، از پیامبر ﷺ نقل کرده است: «الذی یخنق نفسه یخنقها فی النار والذی یطعن نفسه یطعنها فی النار»؛ «کسی که خودش را خفه کند، همانا خودش را در آتش جهنم خفه کرده است و کسی که خودش را زخم زند همانا در آتش جهنم خود را زخمی کرده است».^۴

۱. انعام: ۱۵۱.

۲. اسراء: ۳۱.

۳. بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۳۲؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۷۳؛ ترمذی، محمد ابن عیسی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۶۱.

۴. بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۰۰.

تدخین نیز به تعطیل شدن دستگاه تنفسی منجر می شود و این به منزله خفه کردن خودش است.

۳. ترمذی، به سند ابی برزه اسلمی، از پیامبر ﷺ نقل کرده است که: «لا تزول قدما ابن آدم يوم القيامة من عند ربه حتى يسأل عن خمس، عن عمره فيم افناه؟ و عن شبابه فيم ابلاه؟ و عن ماله من اين اكتسبه و فيم انفق؟ و ماذا عمل فيما علم؟»؛ «بندگان در روز قیامت در محضر خداوند قدم از قدم برنمی دارند تا اینکه از پنج چیز سؤال شوند: از عمر که در چه راهی گذراندی؟ از جوانی که در چه راهی سپری کردی؟ از اموال که از کجا به دست آوردی و در چه راهی خرج کردی؟ و دانسته هایت را چگونه عمل کردی؟^۱ وجه دلالت این حدیث بر حکم مد نظر صورتهای مختلفی دارد:

الف. استعمال کننده دخانیات، وقت و عمر خودش را با استفاده کردن از دخانیاتی که به خود شخص و دیگران ضرر می زند، ضایع می کند.

ب. تدخین، جوانی انسان را به واسطه استفاده کردن از این سموم مهلک تباه می کند.

ج. انسان مسئول اموالش است و حق ضایع کردن آن را ندارد، بلکه باید در چیزی که در آن نفع است خرج کند. لذا تکلیف کسی که مالش را برای خریدن سموم هلاک کننده خودش و دیگران خرج می کند، معلوم است.

۴. طبرانی، به سند انس از حسن، از پیامبر ﷺ نقل کرده است که: «من اذى مسلماً فقد اذانى و من اذانى فقد اذى الله»؛ «کسی که مسلمانی را اذیت کند همانا مرا اذیت کرده است و هر کس مرا اذیت کند همانا خداوند را اذیت کرده است».^۲

مصرف کننده دخانیات، از طریق دود آن دیگران را اذیت می کند و به دیگران ضرر می رساند. پس بنا بر حدیث، او اذیت کننده خداوند و رسولش است.

۱. ترمذی، محمد ابن عیسی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۶.

۲. طبرانی، سلیمان ابن احمد، المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۶۱.

۵. پیامبر ﷺ از هر «مسکر» و «مفتری» نهی کرده است.^۱ دخانیات هر چند مسکر نیست ولی مفتر است. پس پیامبر ﷺ از آن نهی کرده است.
۶. حدیث پیامبر ﷺ که می‌فرمایند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام».^۲ بر حرام بودن هر چیز مضر دلالت دارد و چون تدخین ضرر بسیار دارد پس، بنا بر این حدیث، حرام است.
۷. احادیث دال بر اینکه پیامبر به کسانی که خودکشی می‌کنند، وعده جهنم داده است نیز در این مسئله قابل استناد است. مانند حدیث جندب بن عبدالله در صحیح بخاری: «کان فیمن کان قبلکم رجل به جرح فجزع فاخذ سکینا فحز بها یده فما رقا الدم حتی مات، فقال الله: بادرني عبدی بنفسه فحرمت علیه الجنة»؛ «در گذشته مردی بود که زخمی در بدن داشت و از آن به ستوه آمده بود. چاقویی برداشت و با آن رگ خود را قطع کرد و آنقدر خون جاری شد تا فوت کرد. خداوند فرمود: بنده من شتاب کرد، پس بهشت را بر خود حرام کرد».^۳ و نیز حدیث ابوهریره و سهل بن سعد ساعدی درباره مردی که در جهاد حضور داشت و به واسطه این حضور مجروح و کشته شد. وقتی خبر کشته شدنش را به پیامبر ﷺ دادند فرمود: «او از اهل جهنم است».^۴

بررسی دیدگاه علامه خلیلی

دخانیات اثری بر تخدیر بدن دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و چه بسیار که انسان مالی را برای راحتی بدن و تخدیر عضو خرج می‌کند و باطل نیست. لذا صدق عنوان اکل مال به باطل متوقف بر اثبات بطلان استعمال است و البته اگر اثر تخدیری سیگار کم و از لحاظ مضرات بسیار آن اثری مستهلک باشد می‌توان استعمال آن را مصداق اکل مال به باطل دانست.

۱. ابن حنبل، احمد، مسند / احمد، ج ۶، ص ۳۰۹.

۲. طبرانی، سلیمان ابن احمد، المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۲۳۹.

۳. بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۶.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۲۶؛ خلیلی، احمد ابن حمد، الفتاوی الطیبیة، ص ۲۰۷-۲۱۱.

به علاوه، القاء در هلاکت نیز، هم منصرف از این گونه مضرات کم و تدریجی است و هم سیاق آیه نشان می دهد که مربوط به مسئله ای خاص است و برای تعمیم حکم در مسائل دیگر باید مناط حکم را لحاظ کرد. ظاهر آیه این است که القاء در هلاکت مربوط به امور مهم و اساسی و بنیادین است و استعمال دخانیات در صورتی که تبدیل به خطری عظیم و اساسی شود، می تواند در ذیل آیه محل توجه قرار گیرد.

آیاتی که در بندهای سوم تا هفتم به آن استناد شده نیز در صورتی پذیرفتنی است که پیش تر از صدق موضوع فارغ شده باشیم. یعنی صدق عنوان هدر دادن نعمت یا عمل سفیهانه یا تبذیر یا اسراف. دقت فقهای شیعه درباره انحاء استعمال و مراتب آن از همین حیث است، اما درباره آیه هشتم می توان گفت باز تفصیلی است میان استعمال دخانیات از لحاظ دواء و در مصادیق خاص و استعمال آن در وضعیت عادی و به عنوان فعلی تفریحی و زینتی؛ و البته استعمال برخی مواد هرچند از طبیات نیست برای معالجه جایز است. نیز صدق عنوان خبیث متوقف بر اثبات حرمت شرعی یا حکم قطعی عرفی به تنفربرانگیز بودن چیزی است؛ مثل قاذورات؛ و صدق عنوان به هر دو لحاظ اول بحث است.

خلاصه آنکه اولاً باید در ناحیه موضوع بحث کافی انجام شود و سپس به آیات استناد گردد. بقیه ادله نیز به همین منوال قابل بررسی است و سرّ نپذیرفتن تحریم دخانیات از سوی مشهور فقهای شیعه تا کنون می تواند مربوط به شک و شبهه در صدق ضرر معتنابه یا صدق سم مهلک یا اسراف و تبذیر و مانند آن باشد، اما فقیهی که موضوع را احراز کرده است می تواند فتوا به تحریم دهد، خصوصاً که با پیشرفت علم پزشکی و بررسی آثار تدخین از لحاظ استقراء موارد در زمان کنونی ظن قریب به یقین به مضرات قطعی و معتنابه تدخین حاصل می شود. بنابراین، حکم مسئله با لحاظ این آثار منفی که شناسایی شده است می تواند تغییر کند و همان چیزی که سابقاً به نظر مشهور فقها مشمول اصل برائت شرعی بود اکنون ادله محرزه بر حرمتش دلالت داشته باشد.

نتیجه

مکارم شیرازی و خلیلی، عالم اباضی مذهب، حکم به حرمت تدخین داده‌اند. فتوای مکارم شیرازی بر مبنای دو دلیل فقهی برگرفته از آیات و روایات است که شامل قاعده لاضرر و حرمت اسراف در اسلام است. این دو دلیل به علاوه ادله دیگر، پیش‌تر در کلام برخی فقهای شیعه مثل حر عاملی محل توجه بوده است. خلیلی نیز با تکیه بر چهارده آیه و روایاتی از سنت نبوی بر فتوای خود استدلال کرده است. هر دو عالم به قاعده لاضرر و اسراف تمسک جسته‌اند و از دلایل مشترک آنها است. با این توضیح که سیگار و سایر دخانیات از مصادیق ضرر انسان به خود و دیگران می‌شود و طبق فقه شیعی و اباضی این نوع ضرر حرام است. بنابراین، مصرف دخانیات طبق این قاعده حرام می‌شود. همچنین، چون مصرف دخانیات باعث اتلاف بخش معتنابهی از مال انسان و از آن مهم‌تر عمر و سلامتی انسان می‌شود، اسراف محسوب می‌گردد و حرام است.

پی نوشت

۱. مثلاً دلیل دوم ناظر به ملازمات عمل است؛ دلیل پنجم از صدق تشبه سخن می‌گوید که محل تأمل است؛ دلیل ششم اساساً دلیل فقهی نیست؛ دلیل هشتم ناظر به احتیاط با فرض نبود دلیل محرز است؛ دلیل نهم در صورتی تمام است که خاکستر مستهلک نباشد؛ دلیل دهم اعم از مدعا است، چون قطعاً هر امر جدیدی مذموم نیست؛ و دلیل دوازدهم به معنای فقدان عموم یا اطلاقی در میان ادله است که دلالت بر مصلحت‌باربودن دخانیات کند و فقدان چنین دلیلی مساوق با تحریم عمل نیست.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۳) ترجمه: علی مشکینی، قم: الهادی.
- ابن حنبل، احمد (بی تا). مسند احمد، بیروت: دار الصادر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- بنی هاشمی، محمدحسن (۱۴۲۲). توضیح المسائل مراجع، قم: جامعه مدرسین.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳). سنن ترمذی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). الفوائد الطوسیة، قم: المطبعة العلمية.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعة، قم: آل البيت لاحیاء التراث.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۹). کفایة الاصول، قم: آل البيت.
- خلیلی، احمد بن حمد (۲۰۱۰). الفتاوی الطبیة، عمان: مكتبة الجيل الواحد.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۷). عروة الوثقی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵). المعجم الاوسط، بی جا: دار الحرمین.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالك الافهام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۸). قاعدة لاضرر ولاضرار، تقریر: سید مرتضی موسوی خلخالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). سیگار پدیده مرگبار عصر ما، قم: امام علی بن ابی طالب.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۰). سیری کامل در اصول فقه شیعه، قم: نشر روزنامه فیضیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۸). المحصول فی علم اصول الفقه، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- کلینی، محمد (۱۳۶۳). کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مدنی، محمد نمر (۲۰۱۱). الاباضیه اهل الحق والاستقامة، دمشق: دار دمشق للطباعة والنشر والتوزيع.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). توضیح المسائل، قم: مدرسة الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد الفقهیه، قم: مدرسة الامام امیرالمؤمنین.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱). قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نایینی، محمدحسین (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*، تقریر: محمدعلی کاظمی آخوندی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.